

# یادداشتی درباره تداوم طرح هنری پرشت

امیرفیض- حقوقدان

جاوید ایران؛ بطوریکه از لایحه حضرتعالی مکشوف است برای برخی این توهم وجود دارد که طرح هنری پرشت چون مدتها از تصویب آن گذشته دیگر امری منفسخ است.

خواهشمند است توضیحات زیر را برای استفاده عموم در جریان قرار دهید.

← طرح هنری پرشت یک تصمیم اداری فوق محرمانه وزارت امور خارجه آمریکا در سال (۱۹۷۹=۲۵۱۸) ۱۳۵۸ بوده است که با عنوان «سری فقط چشمها» در اسناد سفارت آمریکا یافت شده است. فقط چشمها یعنی حتی بلند خوانده نشود و فقط از طریق ملاحظه آنهم بوسیله افراد صلاحیت دار درک موضوع گردد.

← در سال ۶۳ آقای دیوید ادمن گوینده تلویزیون سی - بی - اس در مصاحبه ای که در پاریس با اعلیحضرت انجام داد گوینده تلویزیون پس از مصاحبه گزارشگر گفت:

**((ایالات متحده آمریکا ادعای وی را بر تاج و تخت ایران به رسمیت نشناخته است)).**

جمله مزبور درست و دقیقاً خلاصه و کوتاه شده طرح هنری پرشت در سال ۵۸ به اجرا گذاشته شده بود. باید دانست که در سال ۶۳ دیگر طرح مزبور آنچنان که در سال ۵۸ به سری بودن آن تاکید شده بود دیگر امر «سری» نبود زیرا اولاً در اسناد سفارت آمریکا آشکارا منتشر و فاش شده و دوم اینکه ۵ سال از طرح گذشته و طرح آخرین مراحل اجرایی را طی میکرد.



مصاحبه شبکه سی - بی - اس درست بعد از آن مصاحبه ای بود که اعلیحضرت فرمودند.

**<<من بعنوان پادشاه مشروطه برخوام گشت، ایرانیان خواستار بازگشت من هستند>>.**

تصویر قضیه این جوری است که اعلیحضرت همینکه در مصاحبه با سی - بی - اس خود را بعنوان پادشاه ایران معرفی و بازگشت خود را نوید میدهند بلافاصله پس از مصاحبه مجری برنامه همان تلویزیون و در همان ساعت اعلام میکند که ایالات متحده ادعای تاج و تخت ایران را برسمیت نمیشناسد.

مفهوم این تبادل گفتگو جزاین نیست که آنچه اعلیحضرت در باب موقعیت و مقام خودشان فرموده اند، از سوی ایالات متحده غیرقابل قبول است و این درست همان طرح هنری پرشت است، در یک جمله و خلاصه.<sup>۱</sup>

۱ - میدانیم؛ چه در گذشته چه حال گوینده و گفتگو کننده ها با گوشی به اتاق فرمان ها وصل هستند و اشتباه های آنان یاد آوری و راهنمایی میشوند. این گوینده پس از گفتگوی اعلیحضرت تذکر لازم را از اتاق فرمان دریافت کرده و خودش را اصلاح کرده است. ح-ک

## خود داوری

خواننده محترم این تحریر؛ آیا ممکن است تلویزیون سی - بی - اس سرخود مطلبی عنوان کند که درست مصداق موضوع و مفهوم طرح هنری پرشت باشد؟ بنده باور نمیکنم.

## تأثیر اظهارات تلویزیون سی - بی - اس

تأثیر برنامه تلویزیون سی - بی - اس در رد بیانات اعلیحضرت و بموازات آن اظهارات احمد قریشی رئیس دفتر اعلیحضرت که در اسناد سفارت بعنوان رابطین مورد اعتماد آمریکا معرفی شده است (جلد ۱۷ صفحه ۶۷) مبنی بر اینکه «رضاپهلوی دیگر ادعائی ندارد و خود را شهروند عادی میدانند» سبب یک تحول عظیم که تمام تلاشهای اعلیحضرت را برای حفظ قانون اساسی و تداوم سلطنت بر باد داد، شد و دیگر از جملات پیوسته با قانون اساسی و تداوم آن که مکرر مورد بیان اعلیحضرت بود از قبیل: <<وظیفه من و وظیفه هرایرانی است که از قانون اساسی اطاعت کند ولی من بعنوان پادشاه قانونی نقش مهمتری دارم و ان دفاع از ان قانون است>>

بیانات اعلیحضرت بیستم اسفند سال ۶۲

خبری نبود و متأسفانه بسیاری چیزها وصله ناجور بیاناتشان شد که همه از آنها آگاهیم.

## نمونه ای از تأثیر برنامه تلویزیون سی - بی - اس

روزنامه ایران تریبون از مهمترین روزنامه های ایرانی لس آنجلس بود که به دبیری آقای پرویز قاضی سعید، مرتباً تا تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۶۳ مرتباً منتشر میگردد. ایران تریبون یک روزنامه سلطنت طلب قرص و محکم بود؛ از اعلیحضرت با عناوین اعلیحضرت رضاشاه دوم - شهریار ایران یاد میکرد؛ به بعضی از نوشته هایش اشاره ای بجاست:

((بزرگترین تشکیلات جهانی ضد شاه اینک آماده پیوستن به شهریار ایران است - عکسهای پادشاه جوان بردیوارهای شهر کازرون - پادشاه به میدان آمد - آمریکا باید دولت در تبعید رضاشاه دوم را برسمیت بشناسد - محمود فروغی بسمت نخست وزیر دولت در تبعید انتخاب شده است ووووو))

اما بعد از اعلام مخالفت آمریکا با انتقال سلطنت به ولیعهد قانونی، رضا پهلوی، در برنامه تلویزیون سی - بی - اس یکباره قاضی سعید یک روزه ۱۸۰ درجه تغییر عقیده داد و ضمن خطاب کردن اعلیحضرت به «شاهزاده» درست در جهت طرح هنری پرشت آغاز به حرکت سیاسی کرد... حتی تا آنجا رفت که نوشت ((رضا پهلوی نباید سوگند سلطنت را یاد میکرد)).

همین آقای قاضی سعید چنان در جو اجرایی طرح هنری پرشت گیر کرد و فرو افتاد که در عصر امروز ۳۹۲۰ نوشت ((حربه فروپاشی رژیم در دست آمریکاست، کلید رهائی ایران در دست آمریکاست))؛ (یعنی همان آمریکائی که تداوم سلطنت ولیعهد را قبول ندارد).

◀ از اجرای برنامه مزبور بسرعت برق اعلیحضرت و شهریار ایران تبدیل شد به «رضا پهلوی» یعنی «شهروند» همان عنوانی که احمد قریشی در اجرای طرح هنری پرشت اعلام کرد.

اهمیت و اثر بمباران طرح هنری پرشت را میتوانید در این واقعیت بنگرید که از آن تاریخ دیگر عنوان اعلیحضرت و رضاشاه دوم؛ بکل از صحنه فکری و شنودی ایرانیان خارج شد، بطوریکه دشوار است

بتوان ۵ مورد را یافت که اعلیحضرت با عنوان قانونی، قانون اساسی خطاب قرار گیرند و این تنها نیست توجهات اعلیحضرت از قبیل تفاوتی بین جمهوری و سلطنت نیست و ارجاع سلطنت به همه پرسى و مطالب ناخوشایند دیگر که خارجیان نوشتند «رضا پهلوی با پدر خودش بجنگ رفته» همه از تبعات اجرای طرح مزبور است.

کدام قدرت سیاسی میتواند چنان طرحی که با هویت ملی و نماد تاریخی و اخلاق و منش ایرانی ما تضاد آشکار دارد و اعلیحضرت هم به وفاداری به آن اتیان سوگند یاد کرده اند به این سرعت و فراگیری جابیاندازد؟ مگر طرحی که وزارت خارجه آمریکا مجری آن باشد؛ آنهم در محیطی که ایرانیان به دلیل اقامت خود به سیاست آمریکا توجه خاصی دارند.

### خط قرمزى که دوبار شکسته شد

اسناد مبارزه نشان میدهد که از سال ۱۳۶۵ که میتوان آنرا اجرای کامل طرح هنری پرشت دانست دوبار اعلیحضرت در فرمایش هایی از خط قرمز طرح عبور میکنند یکی در مصاحبه با رادیو فرانسه بود که فرمودند <<عنوان قانونی من رضاشاه دوم است>> و مورد دوم مصاحبه با فوکوس آنلاین آلمان بود که بواسطه ابراز تمایل اعلیحضرت به تصدی مقام سلطنت ایران عبارت اعلیحضرت در آن مصاحبه چنین انتشار یافته است:

اعلیحضرت در پاسخ به این پرسش فوکوس آنلاین که پرسیده بود آرزو دارید تاج شاهی ایران را بر سر بگذارید؟ اعلیحضرت فرموده بودند <<صد البته برای من چیزی بهتر از این نیست که با همه آنچه در اختیار دارم به کشورم خدمت کنم.....>>.

با الم سنگه غیر قابل انتظاری روبرو گردید که کاربه وکیل کشی هم رسید و استیضاح پشت استیضاح متوجه اعلیحضرت شد و اعلیحضرت متهم به عوامفریبی و گفتار متضاد گردیدند.

### خود داوری

این تحریر نمیخواهد وارد مفصل موضوع و شدت واکنش به اظهارات اعلیحضرت بشود همینقدر راضی است که بگوید اگر کسی از آرزوی خود صحبت کند مستحق این چنین واکنشها و برای رفع مسئولیت و استیضاح ناچار به انتخاب وکیل و مراجعه به دادگاه است؟ مسلما خیر... ولی از آنجا که اعلیحضرت از خط قرمز طرح هنری پرشت که تداوم سلطنت بوده و هست با احتیاط و حتی با عنوان آرزو دارم قدری لغزیده اند ناچار گردیدند که با رجوع به وکیل لااقل از همان آرزو که طرح آن نه تنها گناه نیست بلکه اعلام یک آرزوست که گفته اند (آرزو بر جوانان عیب نیست) عدول خود را نشان بدهند.

### داوری خواننده تحریر

آیا خواننده محترم این تحریر با موردی آشنا هستند که یک ایرانی با یک خارجی مصاحبه ای کند و بعد مدعی شود که آن مصاحبه کننده خارجی جعل مصاحبه کرده و به دادگاه رفته باشد؟ اگر نه به خط قرمز طرح توجه فرمائید.

و اما بعد

## **\*\*\* آیا طرح هنری پرشت منفسخ است**

یک طرح ویا یک حکم دومرحله ممتاز دارد یکی مرحله تصمیم و دیگری مرحله اجرا. بهتر است با یک مثال حرکت کنیم.

یک حکم محکومیت به زندان ویا طرح آدم ربائی یک مرحله تصمیم دارد که ممکن است قانونی ویا غیرقانونی باشد ویک مرحله اجرا وقتی مرحله اجرا شروع شد، یعنی حکم ویا اقدام غیرقانونی تحقق یافت دیگر آن موضوع مختومه است زیرا حکم در جریان اجراست. حال اگر زندانی سالها هم در زندان باشد نمیتوان گفت که آن حکم و یا طرح ویا قرار بعلت گذشت زمان منفسخ شده است. حتی وقتی هم که زندانی از زندان خلاص میشود بازهم نمیتوان گفت که حکم ویا طرح منفسخ شده است بلکه گفته میشودکه حکم اجراشده است.

**توضیح اضافی اینکه طرح هنری پرشت مقید به مدت و شرط نیست بلکه حکایت از نفی و عدم قبول را دارد واین بدان معناست که آثار آن ابدی است؛ مگر فصل قبول جایگزین آن گردد؛ منالشی این است: مسکرات در حقوق اسلامی منع و حرام است نمیشود گفت که چون قرآن مربوط به قرون متمادی قبل است پس ممنوعیت آن از بین رفته است.**

میتوان گفت که طرح هنری پرشت یک عقد ویا تعهد نیست یک الزام یکطرفه است که مدتی هم برای آن منظور نشده است؛ الزام مزبور به دلایل عدیده سیاسی و حقوق بشری نادرست بوده است و به همین دلیل هم جنبه محرمانه بودن آن استثنائی شناخته شده است. اکنون این حق مسلم ایرانیان و همچنین تکلیف قانونی و حقوق بشری و سیاسی ایالات متحده است که نسبت به آن الزام تجدید نظر کند.

بنابراین اینکه طرح وزارت خارجه آمریکا در سال ۵۸ صادر و بلافاصله در مقام اجرا قرار گرفته و تقریباً در سال ۶۵ دامنه اجرائی آن نسبت به فعالیت اعلیحضرت کامل شده است و تاکنون که نزدیک به ۴۰ سال است طرح مزبور در موقعیت اجرائی است؛ و هرگز باطل نشده؛ نمیتوان به استناد تاریخ و قدمت آن اثرات مهم آنرا نادیده گرفت.

قانون ویا حکم ویا تصمیم مادامی که فسخ نشده به اعتبار خود باقی است.

حیثیتر از ۲۰۰ سال قبل قانونی در فرانسه گذشت که زنان حق پوشیدن شلوار را ندارند مگر با اجازه پلیس؛ این قانون هیچگاه در فرانسه اجرا نشد معهداً در سال ۲۰۱۲ قانون مزبور فسخ شد؛ این نمونه از آن جهت آورده شد که قانون ویا تصمیم ویا حکم دولتی مادام که فسخ نشده به اعتبار خود باقی است.

۲ - یک طرح محرمانه یا سری در هیچ وزارت خانه ای از جمله وزارت امور خارجه هیچ کشوری که بصورت دستور و بخشنامه به سفارتخانه های متبوع ابلاغ میشود نیاز به تصویب مجلس ویا کنگره و امثال آن ندارد. یک دستور اداری و دولتی است و بدون چون و چرا گیرنده و کارمندان سفارت و وزارتخانه مزبور ملزم به اجرای آن هستند. کسانی که تصویب طرح هنری پرشت را موکول به تصویب مجلس میکنند قواعد بازی سیاسی و دستور اداری را نمیدانند.. ح-ک

## اعاده حیثیت

برخی موارد وجود دارد که بعلت اشتباه ویا کینه توزی وامثال آنها شخصی از حقوقی محروم میشود که نباید این محرومیت نصیب او شود؛ در این حالت فکر اعاده دادرسی ویا اعاده حیثیت شخص مطرح میشود.

کوشش ایرانیان درجهت رفع آثار طرح هنری پرشت از نظر حقوقی شباهت تامه با درخواست اعاده حیثیت از نماد سلطنت ایران را دارد که بدون شک تصمیم وزارت خارجه آمریکا درتحریم فعالیت سیاسی اعلیحضرت نوع کامل تعرض به حیثیت و اعتبارملی وسیاسی ایشان وملت ایران است که ایرانیان خواستار لغو آن تصمیم باضافه اعاده حیثیت از اعلیحضرت میباشند.

## خود داوری

خواننده محترم این تحریر؛ آیا درخواست رفع اثر ازتصمیم وزارت خارجه آمریکا درسال ۵۸ که قویا تا به امروز جریان اجرایی داشته است و اعاده حیثیت ازنماد هویت ملی ما یک درخواست نا موجه است؟

## \* ایران نیاز به پادشاهی ندارد \*

کسی از طرح هنری پرشت این برداشت را ارایه داده که طرح مزبور متضمن این مطلب است که ایران نیاز به پادشاهی ندارد.

برداشت کاملاً نادرست است. عبارت (ایران نیازی به پادشاهی ندارد) یک نظریه است، و اینکه ایالات متحده آمریکا انتقال سلطنت را به ولیعهد در روال قانون اساسی قبول ندارد و نمیتواند تحمل فعالیت های سیاسی ولیعهد و خانواده سلطنتی را بنماید «حکم اداری و طرح است» و جنبه اجرایی و ضمانت اجرا دارد و اولی فقط یک نظریه است.

## \* ایشان خودشان نمیخواهند که شاه باشند \*

نقل قول است که ایشان خودشان نمیخواهند که شاه باشند.

← انتقال سلطنت به ولیعهد ازباب حفظ تداوم است واین انتقال به میل ولیعهد نیست حکم قانون

و مصلحت جامعه و رعایت سنت و هویت ملی ایرانیان است درطول مشروطیت ایران وحتى قبل از مشروطیت همواره ولیعهد های ایران بعلت صغر (کمی) سن هیچ تمایلی به پادشاهی نداشته اند (احمد شاه و شاه اسماعیل) ولی مردان آن زمان ایران، عدم تمایل ولیعهد را به سلطنت مافوق تکلیف سنتی ولیعهد قرار نداده اند.

← اعلیحضرت در موقعیت بسیار استثنائی و مملو از وحشت و از همه مهمتر عدم رضایت دولت آمریکا در تاریخ و روز معین سوگند نهم آبان خودشانرا اتیان فرمودند و تا ۵ سال هم علیرغم طرح هنری پرشت و عدم مساعدت و حمایت ارتشیان خارج از کشور و سیاستمداران زمان شاهنشاه مدافع قانون اساسی مشروطیت و حفظ تداوم سلطنت بودند.

با این سابقه مسلم که در اختیار ماست و آن طرح لعنتی هنری پرشت که اعلیحضرت را کاملاً ممنوع و تحریم از فعالیت های سیاسی در تکلیف قانونی کرده است نمیتوان گفت که ایشان خودشان نمیخواهند که شاه باشند.

خیلی چیزها هست که نمیتواند مطابق میل ولیعهد قانونی باشد یکی از آنها همین پشت پا به تداوم هزاران ساله سلطنت است، خود اعلیحضرت هم با این مهم آشنا هستند که فرموده اند:

>>من برای سلطنت تربیت شده ام - مهمترین وظیفه من تداوم پادشاهی مشروطه و حفظ مشروعیت آنست - من به اختیار خودم ولیعهد نشده ام - دست خودم نبود که بعنوان فرزند ذکور پادشاه با نام خانوادگی پهلوی به دنیا بیایم سرنوشت چنین خواسته است و درحقیقت این وظیفه و سرنوشت بعهد من گذاشته شده است.<<  
(احمد احرار سال ۱۳۷۹)

ما باید راه خودمان را بطور قطع روشن کنیم یا این ننگ را بپذیریم که سند مرگ سه هزارساله ایران را امضا کنیم.

### دست آورد

نمونه های بالا اشاراتی از کل بیانات اعلیحضرت در شاهراه قانون اساسی و تداوم سلطنت است و از سوی دیگر در مقابل آن، طرح تحریم اعلیحضرت در حرکت در شاهراه تاریخی تداوم سلطنت است. با ملاحظه ابعاد مقاومت اعلیحضرت در مقابل طرح هنری پرشت و دامنه وسیع اجرائی طرح مزبور که در تزلزلت گروگان بشرح رفته است؛ فکر عدم تمایل اعلیحضرت به تکلیف قانونی و سنتی خودشان منتفی و غیر عادلانه است.

البته نمیتوان منکر آن شد که تاثیر اجرائی طرح هنری پرشت و ایادی آن طرح در اطراف اعلیحضرت یک حالت بی تفاوتی سطحی نسبت به مسئولیت حفظ تداوم سلطنت در ایشان بوجود آورده است ولی نمیتوان برای این حالت اعتباری قائل شد.